

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری

محمدعلی رضایی اصفهانی*

چکیده

تعبیر «نُزِلَتْ» - که در روایات تفسیری ذیل آیات مهدویت آمده - گاهی به معنای تطبیق آیه بر مورد غیر شأن نزول، گاهی به معنای تأویل و بطن آیه و گاهی نیز به معنای تفسیر آیه است. روایات تفسیری مهدویت در ذیل سیصد و بیست و چهار آیه آمده است. این آیات را می‌توان چهار دسته کرد: آیاتی که تفسیر آن در مورد مهدویت است، مثل: آیات اظهار دین (برائت / ۳۳) و آیه رفع فتنه از جهان (انفال / ۳۹)؛ آیاتی که بر اساس روایات تفسیری، بر مهدویت تطبیق شده است، مثل: ایام الله (ابراهیم / ۵) و بقیةالله (هود / ۸۶)؛ آیاتی که تأویل و بطن آن در مورد مهدویت است، مثل: حروف مقطعه حم، عسق (شوری / ۱ و ۲)؛ آیاتی که بر اساس احادیث تفسیری، مرتبط با مهدویت است، مثل: تشبیه جریان مهدویت به جریان طالوت و جالوت. (بقره / ۲۴۹)

از بررسی آیات و روایات این نتیجه به دست می‌آید که آیات و روایات تفسیری مهدویت دلالت و اعتبار یکسانی ندارند و گاه به موضوع‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و تاریخی مهدویت اشاره دارند.

واژگان کلیدی

آیات مهدویت، روایات مهدویت، بطن، تأویل، جری و تطبیق.

rezaee@quransc.com
تاریخ تأیید: ۸۹/۶/۲۵

*. دانشیار گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه.
تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۳

طرح مسئله

آینده روشن بشریت در پرتو منجی آخرالزمان از موضوعاتی است که در ادیان الهی مطرح بوده است. (بنگرید به: کتاب مقدس، ۱۹۸۷ و ۱۹۳۲م، مزامیر، زمزمور ۳۷، ش ۱۸ - ۹ و زمزمور ۹۶، ش ۱۳ - ۱۰؛ ملحقات عهد جدید، نامه دوم به پولوس، باب سوم؛ اوپانیشادها (کتاب مقدس هندوها)، ۷۳۷؛ کتاب جاماسب (زرتشتی‌ها)، نامه ۱۲۱)

مسئله مهدویت در اسلام نیز در روایات شیعه و سنی آمده است (مجلسی، ۱۳۸۵: ۱۳) حتی در برخی روایات نام و مشخصات مهدی آل محمد علیهم‌السلام آمده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹) البته در قرآن کریم نام «مهدی» (محمد بن الحسن علیه‌السلام) به صورت صریح نیامده است؛ بلکه نام هیچ کدام از امامان علیهم‌السلام به خاطر حکمت‌های خاصی بیان نشده است، از جمله اینکه: اولاً. قرآن در پی نام بردن از صحابه و بستگان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نبوده؛ مگر در موارد استثنائی، مثل داستان زید (احزاب / ۳۷) و ابولهب (مسد / ۱) که برای بیان مطلبی (همچون حکم ازدواج زید و نفرین بر ابولهب) نام آنها ضرورت داشت که بیاید، از این رو در موارد متعددی، مطالب مربوط به زنان پیامبر و منافقان در قرآن آمده است؛ ولی نامی از آنها برده نشده است. (سوره تحریم، منافقین و...)

ثانیاً. نام بردن از افراد، موجب انگیزش حبّ و بغض‌ها و زمینه‌ساز تحریف قرآن می‌شود. ثالثاً. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به دلیل نیامدن نام امام علی و اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن، به نماز اشاره کرد که حکم آن در قرآن نازل شده، ولی از سه یا چهار رکعت بودن آن نامی به میان نیامده است تا خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آنان تفسیر کند (فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۲ / باب ۳۰) ولی در احادیث و تفاسیر، سیصد و بیست و چهار آیه مرتبط با وجود مقدس امام عصر علیه‌السلام شمرده شده است که البته دلالت‌های آنها و نیز اعتبار احادیث تفسیری آنها یکسان نیست. در این نوشتار می‌خواهیم این آیات را بیان و دسته‌بندی و شیوه‌های برداشت از آنها را بررسی کنیم.

در این راستا به روایت‌های ذیل آیات اشاره و بعد از بیان فهرست کلی آیات، برخی از مهم‌ترین آنها را در هر دسته بررسی می‌کنیم.

الف) مفهوم‌شناسی

۱. قرآن: مقصود از قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است که شش هزار و دویست آیه دارد و به صورت متواتر از پیامبر ﷺ به ما رسیده و تحریف نشده است و در عصر کنونی بیشتر با قرائت حفص از عاصم منتشر می‌شود.

۲. مهدویت: مقصود اعتقاد به منجی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند و بشر را نجات می‌دهد. این منجی در ادیان الهی و اسلام مطرح شده و در شیعه با نام محمد بن الحسن علیه السلام و لقب‌هایی مثل «مهدی آل محمد علیهم السلام» به عنوان دوازدهمین امام معصوم علیه السلام مشخص شده است.

۳. تفسیر: در اصل به معنای کشف و پرده‌برداری است و در اینجا به کشف معانی واژه‌ها و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست. به عبارت دیگر، تبیین مراد استعمالی آیات و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره مورد نظر است.^۱

۴. تأویل: در اصل به معنای بازگشت‌دادن است و گاهی به معنای توجیه متشابه، و معنای خلاف ظاهر لفظ می‌آید که به وسیله قرینه حاصل می‌شود. (برای واژه تأویل بیش از ده معنای استعمالی بیان شده است که در اینجا دو معنایی که در متن مقصود ماست، بیان شد. (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۱۳۳۲: ماده اول؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ۳ / ۱۳؛ سیوطی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۹۲؛ ذهبی، بی تا: ۱ / ۱۳؛ معرفت، ۱۴۲۸: ۳ / ۲۸) همان‌طور که گاهی به معنای باطن نیز می‌آید (معرفت، ۱۴۲۸: ۳ / ۲۸؛ همو، ۱۴۲۵: ۱ / ۲۱) البته در قرآن گاهی به معنای تعبیر خواب (یوسف / ۶) و تحقق خارجی عینی مطلب (یوسف / ۱۰۰؛ اعراف / ۵۳) نیز می‌آید.

۵. بطن: در اصل به معنای پوشیده و غیرظاهر است، و در اینجا مقصود معنایی از قرآن

۱. در مورد تفسیر، معانی لغوی و اصطلاحی متعددی بیان شده است. در اینجا سخن لغوی‌ها و برخی ارباب تفسیر و صاحب‌نظران بیان شد. (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۱۳۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱ / ۴؛ سیوطی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۹۲؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱۳؛ نگارنده، ۱۳۸۵: ۲۳؛ همو، ۱۳۸۳: ۳۹ - ۳۵؛ بابایی و دیگران، بی تا)

است که از ظاهر کلام به دست نمی‌آید و گاهی در احادیث بیان شده است. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۹۲ / ۹۷) برخی صاحب‌نظران آن را به معنای قاعده کلی، برگرفته از آیه می‌دانند که با الغای خصوصیت به دست می‌آید. (معرفت، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۰؛ همو، ۱۴۲۵: ۱ / ۲۱)

برای واژه «بطن» معانی دیگری نیز بیان شده است، ولی ما در اینجا معنایی را بیان کردیم که در متن مقصود ماست. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳ / ۶۵ - ۴۴؛ شاکر، ۱۳۸۲: بحث بطن؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: مبحث بطن)

۶. تطبیق (جری): در اصل به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است، مثل وقتی که «انسان» را بر «عباس» اطلاق و تطبیق می‌کنیم. از این شیوه در روایات تفسیری استفاده شده و در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است. امام محمدباقر علیه السلام در این زمینه فرمودند:

ظهره تنزیله و بطنه تأویله منه ما قد مضی و منه مالم یکن یجری کما یجری الشمس و القمر. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۹۲ / ۹۷)

گاهی هم از آن با عنوان قاعده «جری و تطبیق» یاد می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱ / ۴۱)

۷. واژه «نزلت»: در اصل به معنای نزول آیات قرآن در مورد حادثه یا واقعه خاص است و بیشتر در مورد شأن نزول‌های قرآن به کار می‌رود؛ هر چند که گاهی در مورد قصه‌های گذشته و بیان حکم و تکلیف شرعی دائمی نیز می‌آید. (معرفت، ۱۴۲۸: ۱ / ۲۵۴؛ بحرانی، ۱۳۳۴: ۱ / ۳۱ و ۳۲) این واژه در احادیث تفسیری مهدویت در چند معنا به کار می‌رود:

یک. به معنای تطبیق یک آیه خاص بر غیر شأن نزول آن: در حدیث، آیه‌ای بر یکی از مسائل مهدویت تطبیق و از تعبیر «نزلت» استفاده می‌شود. برای مثال: در مورد آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» (نمل / ۶۲) بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی را که در مانده، هنگامی که او را می‌خواند، اجابت می‌کند و (گرفتاری) بدی را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می‌دهد؟! آیا معبودی با خداست؟! چه اندک متذکر می‌شوید»، از امام باقر علیه السلام نقل شده

است: «نزلت في القائم...» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۲۸؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۶۹)؛ در حالی که آیه مطلق است و شامل هر فرد مضطر می‌شود؛ ولی در روایت بر یکی از مصادیق کامل یا مصداق اکمل تطبیق شده است.

دو. گاهی تعبیر نزلت به معنای تأویل و بطن آیه به کار می‌رود. برای مثال در مورد آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ؛ (ملک / ۳۰) بگو: آیا به نظر شما، اگر آب (سرزمین) شما [در زمین] فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟!»، امام باقر علیه السلام فرمود:

هذه نزلت في القائم يقول: إن أصبح إمامكم غائباً لا تدرن أين هو فمن يأتیکم بإمام ظاهر یأتیکم بأخبار السماء والارض وحلال الله و حرامه؟ ثم قال علیه السلام: و الله ما جاء تأویل هذه الآیة ولا بُدَّ أن یحیی تأویلها. (صدوق، ۱۳۹۵: ۱ / ۳۲۵؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۵۱ / ۵۲)

در حالی که ذیل حدیث سخن از تأویل (و بطن) آیه است؛ اما در صدر حدیث تعبیر «نزلت» به کار رفته است، پس مقصود از نزول در اینجا بیان بطن و تأویل آیه است. سه. واژه «نزلت» گاهی به معنای تفسیر آیه می‌آید؛ همان‌گونه که در مورد آیه پنجاه و پنج سوره نور: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خدا به کسانی از شما را که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «نزلت فی القائم و اصحابه» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۷) که تنها تفسیر آیه مربوط به امام عصر علیه السلام و یاران ایشان است.

ب) پیشینه

در مورد آیات مهدویت در منابع تفسیری و حدیثی شیعه و اهل سنت مطالبی آمده است، از تفاسیر اهل سنت می‌توان به تفسیر قرآن کریم ابن کثیر (۷۷۴ ق) (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۶۱۵ و ...) و از تفاسیر شیعه: تفسیر مجمع البیان، تفسیر عیاشی، تفسیر نور الثقلین، تفسیر البرهان،

تفسیر صافی، المیزان فی تفسیر القرآن، تفسیر نمونه، تفسیر قرآن مهر، و... اشاره کرد. بعد از این تفاسیر کتابها و مقاله‌های مستقل متعددی در این مورد نوشته شده است.^۱

۱. از جمله:

- *المحجة فیما نزل فی القائم الحجة*، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، مهدی حائری قزوینی، با عنوان سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، تهران، ۱۳۷۴، آفاق. در این کتاب ۱۲۰ آیه به ترتیب نزول و روایات آنها جمع‌آوری شده است.
- *معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، الجزء السابع، الآیات المفسر، تحت اشراف شیخ علی الکوثرانی، ۱۴۱۱ ق، جامع‌ترین کتاب در این زمینه است که بیش از ۳۰۰ آیه را جمع کرده است، ولی آیه ۱۸ سوره محمد را ذکر نکرده است.
- *موسوعة المصطفی و العتره*، ج ۱۶، *(المهدی المنتظر)*، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰ ق.
- *سیمای امام زمان علیه السلام در آئینه قرآن*، علی‌اکبر مهدی‌پور.
- *الامام المهدی فی القرآن و السنة*، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق، مشهد، آستان قدس رضوی. در این کتاب آیات مهدویت طبق سوره‌ها تا آخر قرآن با روایات آمده است.
- *امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور*، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی، گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار).
- *المهدی فی القرآن (موعود قرآن)*، سید صادق حسینی شیرازی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، تهران، ۱۳۶۰، فارسی و عربی. در این کتاب ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر علیه السلام از منابع اهل سنت نقل شده است.
- *حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت*، محمود شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۷۹، قم، دارالصادقین. مجموعه آیات قرآن درباره مهدی علیه السلام با روایات آمده است.
- *ملاحم القرآن*، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، مؤلف. این کتاب پیش‌گویی‌های قرآن و روایات در مورد نشانه‌های ظهور است.
- *طریق الی المهدی علیه السلام المنتظر*، سید ایوب، بیروت، الغدیر، ۱۹۹۸ م. آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد بررسی شده است.
- *سوره والمصر*، حضرت امام زمان علیه السلام است، عباس راسخی نجفی، قم، قیام، ۱۳۷۲.
- *المهدی الموعود فی القرآن الکریم*، محمدحسین رضوی، دارالهادی، ۲۰۰۱ م.
- *پور پنهان در افتق قرآن حضرت مهدی علیه السلام*، جعفر شیخ‌الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸.
- *غریب غیب در قرآن*، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.
- *اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن*، علی صفایی کاشانی، تهران، مفید، ۱۳۷۶.
- *القرآن يتحدث عن الامام المهدی علیه السلام*، مهدی حسن علاء‌الدین، بیروت، دارالاسلامیه.

ج) فهرست اجمالی آیات مهدویت

در مجامع حدیثی سیصد و بیست و چهار آیه قرآن با احادیث مربوط ذکر شده که مرتبط با مهدویت است.^۱

- ثورۃ المواظنین للمهدی علیه السلام، مهدی حمد فتلاوی، بیروت، دارالبلاغه، ۱۹۹۳ م.
- مهدی علیه السلام در قرآن، رضا فیروز، تهران، رایحه، ۱۳۷۸.
- مهدویت از نظر قرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱ ق.
- چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر علیه السلام، معاونت امور فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- سیمای مهدویت در قرآن، محمد جواد مولوی‌نیا، قم، امام عصر علیه السلام، ۱۳۸۱.
- الآیات الباهرة فی بقیة العترة الطاهرة او تفسیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان علیه السلام، سید داود میرصابری، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق.
- مهدی در قرآن، محمد عابدین‌زاده، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام موعود، ۱۳۸۰.
- سیمای نورانی امام زمان علیه السلام در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری، قم، مؤسسه فرهنگی سعادت، ۱۳۸۱.
- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، سید جواد رضوی، بوشهر، موعود اسلام، ۱۳۸۲.
- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۳، به فارسی ترجمه شده، و بسیاری از آیات و روایات مهدویت را جمع‌آوری کرده است.
- در ضمن لوح فشرده «کتاب‌شناسی منابع اسلامی درباره امام عصر علیه السلام» و لوح فشرده «در آینه قلم» محصول پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا، با هشت هزار جلد مأخذ، شامل کتاب، مقاله و پایان‌نامه در این زمینه راه‌گشاست. لوح فشرده «نورالولاية» نیز که متن کامل صد و بیست و شش جلد کتاب از منابع مهم مهدویت را گردآوری کرده، قابل استفاده است.
۱. فهرست آیاتی که در احادیث مرتبط با مهدویت معرفی شده، بدین قرار است:
- حمد / ۷ - ۱؛ بقره / ۳، ۳۷، ۱۱۴ و ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷، ۲۱۰، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۹؛ آل عمران / ۳۷، ۴۶، ۸۱، ۸۳، ۹۷، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۲۰۰؛ نساء / ۵۹، ۶۹، ۷۷، ۱۳۰، ۱۵۹؛ مائده / ۳، ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۵۴، ۱۱۸؛ انعام / ۲، ۳۷، ۴۴ و ۴۵، ۶۵، ۱۵۸؛ اعراف / ۴۶، ۵۳، ۷۱، ۹۶، ۱۲۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۷؛ انفال / ۷ و ۸، ۳۹، ۷۵؛ توبه / ۳، ۱۶، ۳۴ - ۳۲، ۳۶، ۵۲، ۱۱۱، ۱۱۹؛ یونس / ۲۴، ۳۵، ۳۹، ۵۰، ۹۸؛ هود / ۸، ۱۸، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۱۱۰؛ یوسف / ۱۱۰؛ رعد / ۷، ۱۳، ۲۹؛ ابراهیم / ۵، ۲۸، ۴۵، ۴۶؛ حجر / ۱۶ و ۱۷، ۳۸ - ۳۶، ۷۵ و ۷۶؛ نحل / ۱، ۲۲، ۳۳، ۳۴، ۴۰ - ۳۸؛ اسراء / ۷ - ۵، ۳۳، ۷۱ و ۷۲؛ کهف / ۴۷، ۹۸؛ مریم / ۳۷، ۵۴، ۷۵، ۷۶؛ طه / ۱۱۵، ۱۲۳ و ۱۲۴، ۱۳۵؛

البته باید گفت که ارزش و دلالت این آیات با مباحث مهدویت یکسان نیست. (بنگرید به: هیئته علمیة من مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: الجزء السابع؛ و کتب تفسیر روایی، مثل البرهان، نورالثقلین، صافی، نمونه و ...)

یادآوری: در برخی مجامع روایی و تفاسیر قرآن، آیات دیگری را مربوط به مباحث مهدویت دانسته‌اند؛ ولی با بررسی‌های به عمل آمده روشن شد که برخی از این موارد از معصومان علیهم‌السلام نقل نشده یا نسبت دادن آنها به معصومان علیهم‌السلام مشکوک است.

برای مثال ذیل حج / ۶۰ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۸۷؛ هیئته علمیة ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۳۸۳) و صف / ۱۳ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۳۶۶؛ هیئته علمیة ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۶۰۳)، تفسیر قمی آیه‌ها را مربوط به مهدویت دانسته است؛ در حالی که به ظاهر، تعبیر از صاحب تفسیر است نه امام معصوم و در یونس / ۵۰ (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۱ / ۳۱۲؛ هیئته علمیة ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۲۴۶)، از ابوالجارود نقل شده است که معتبر نیست. در طه / ۱۱۳ - ۱۱۰ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۵؛ هیئته علمیة ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۳۵۰)، عنکبوت / ۱۰ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۴۹؛ هیئته علمیة ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۴۶۷) و جن / ۲۶ (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۹۱؛ هیئته علمیة ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۶۱۹) با تعبیر «قال» نقل شده و استناد آن به معصوم روشن نیست. در کتب معجم الاحادیث المهدی، آنها را در ردیف آیات مفسر ذکر کرده است. برخی روایات مهدویت نیز از ابن عباس نقل شده است، مثلاً در مورد آیه ۵۹ سوره نمل از ابن عباس حکایت شده است که اهل بیت علیهم‌السلام صفوة الله هستند. (الهیئته علمیة ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۴۳۵)

انبیاء / ۱۲ و ۱۳، ۳۵، ۷۳، ۹۵، ۱۰۵؛ حج / ۳۹، ۴۱، ۴۷، ۶۵؛ مؤمنون / ۱، ۱۰۱؛ نور / ۳۵، ۵۳، ۵۵؛ فرقان / ۱۱، ۲۶، ۵۴، ۷۶ - ۶۳؛ شعراء / ۴، ۲۱، ۲۰۷؛ روم / ۵ - ۱؛ لقمان / ۲۰؛ سجده / ۲۱، ۲۹، ۳۰؛ احزاب / ۱۱، ۶۱، ۶۲؛ سبأ / ۱۸، ۲۸، ۵۱؛ فاطر / ۴۱؛ یس / ۳۰، ۳۳، ۵۲؛ صافات / ۸۳ و ۸۴؛ ص / ۱۷؛ زمر / ۶۹؛ غافر / ۱۱، ۵۱؛ فصلت / ۳۰، ۳۴، ۵۳؛ شوری / ۱، ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۴۱ و ۴۲؛ زخرف / ۲۸، ۶۱، ۶۶؛ دخان / ۳ و ۴؛ محمد / ۴، ۱۷ و ۱۸؛ فتح / ۲۵؛ ق / ۴۱ و ۴۲؛ ذاریات / ۲۲؛ طور / ۳ - ۱، ۴۷؛ نجم / ۵۳؛ قمر / ۱، ۶؛ الرحمن / ۴۱؛ واقعه / ۱۰ و ۱۱؛ حدید / ۱۶ و ۱۷؛ ۱۹؛ صف / ۸ و ۹؛ تغابن / ۱۲؛ ملک / ۳۰؛ قلم / ۱۵؛ معارج / ۱ و ۲؛ ۴۴؛ جن / ۱۶، ۲۴؛ مدثر / ۱ و ۲، ۴، ۱۶ - ۸، ۱۹ و ۲۰، ۴۰، ۴۸؛ نازعات / ۱۴ - ۱۲؛ عبس / ۱۷، ۲۳؛ تکویر / ۱۵ و ۱۶؛ انشقاق / ۱۹؛ بروج / ۱؛ طارق / ۱۷ - ۱۵؛ غاشیه / ۴ - ۱؛ فجر / ۴ - ۱؛ شمس / ۱۵ - ۱؛ لیل / ۲۱ - ۱؛ قدر / ۵ - ۱؛ بیته / ۵؛ تکاثر / ۳ و ۴، ۸؛ عصر / ۳ - ۱.

عجیب اینکه برخی موارد از کعب الاحبار نقل شده است که از ناقلان اسرائیلیات بود و روایات او نزد شیعه و سنی بی اعتبار است. برای مثال ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران (ابن حماد، الفتن: ۲ / ۵۷۸؛ الهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۷۸) و ذیل آیه ۴۷ سوره حج (الهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ۷ / ۳۸۱؛ صدوق، ۱۴۱۶: ۲ / ۴۷۴ و ۴۷۵) از کعب الاحبار روایتی نقل شده؛ در حالی که به پیامبر ﷺ نیز نسبت داده نشده است. روشن است که نقل این اخبار، ضعیف و مرسل موجب وهن آیات مهدویت می شود؛ از این رو ما این آیات را در فهرست آیات مهدویت ذکر نکردیم.

د) تقسیم بندی آیات مهدویت

آیات مهدویت از منظرهای مختلف قابل تقسیم بندی است. می توان آنها را از منظر روش شناختی، موضوعی، تاریخی و ... دسته بندی کرد؛ اما توجه ما در این نوشتار «روش شناسی فهم آیات با توجه به روایات تفسیری» است؛ یعنی به این آیات و روایات از دیدگاه روش ها و قواعد تفسیری نظر می کنیم.

تقسیم های مختلفی در مبحث مبانی، قواعد و روش های فهم و تفسیر قرآن صورت گرفته است (ر.ک به: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵) که بر اساس آنها می توان روایات تفسیری را دسته بندی کرد؛ از جمله اینکه یک دسته از روایات تفسیری، مصادیق آیه را بیان می کند و دسته دیگر تأویل و بطن و دسته سوم تفسیر آیه را روشن می سازد. این تقسیم بندی ها در روایات تفسیری آیات مهدویت نیز جاری است.

۱. تفسیر آیات در مورد مهدویت

برخی احادیث تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است، مفاهیم و مقاصد آیات را توضیح می دهد؛ یعنی به نوعی تفسیر اصطلاحی آیه را بیان می کند. در اینجا به برخی از مهم ترین این آیات اشاره می شود:

یک. آیات اظهار (تسلط دین اسلام بر ادیان الهی)

منظور آن دسته از آیاتی است که تسلط نهایی دین اسلام بر ادیان الهی را نوید می دهند؛ ولی

هنوز تحقق نیافته است و تنها تفسیر آن در مورد مهدویت صادق است. این آیات با تعبیر مشابه در چند سوره تکرار شده است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (توبه / ۳۳؛ صف / ۹)

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها [ها] پیروز گرداند؛ و گرچه مشرکان ناخشنود باشند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا. (فتح / ۲۸)

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها [ها] پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است.

از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۳۳ توبه و ۹ صف نقل شده است که فرمود:

إذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم و لا كافر الا كره خروجه لو كان في بطن صخرة لقاتل الصخرة يا مؤمن في مشرك فاكسرنى واقتله. (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸۴؛ عیاشی، بی تا: ۲ / ۸۷، ح ۵۲)

هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کنند، هیچ مشرک به خدای بزرگ و کافری نمی ماند؛ مگر آنکه از قیام امام زمان علیه السلام ناراحت است. و اگر بر فرض در دل سنگی مخفی شوند، آن سنگ ندا می دهد که ای مؤمنان مشرکی اینجاست، مرا بشکنید و او را بکشید.

در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که در مورد آیه فرمود:

والله ما نزل تأويلها بعد، قلت: جعلت فداك و متى ينزل تأويلها؟ قال: حين يقوم القائم إن شاء الله ... (ابن حجام، ۱۴۲۰: ۳ / ۳۸۲، ح ۴۳۴)

به خدا سوگند که تفسیر این آیه هنوز نیامده است. پرسیدم: فدایت شوم تفسیر آیه چه موقع تحقق می یابد. فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند ان شاء الله... .

واژه «تأویل» در این روایت به معنای تحقق خارجی عینی است، پس مفاد آیات پیشین در

مورد «پیروزی نهایی اسلام بر تمام ادیان از صدر اسلام تا کنون» تحقق نیافته است، پس مقصود آیه، زمان امام عصر علیه السلام است که دین اسلام به دست او بر همه ادیان پیروز می‌شود؛ بنابراین تفسیر آیه (نه تأویل اصطلاحی به معنای باطن یا معنای خلاف ظاهر آیه) و مقصود آیه، زمان امام عصر علیه السلام است.

مشابه روایت فعلی از اهل سنت نیز حکایت شده است، از این رو برخی مفسران اهل سنت تحقق آیه را هنگام خروج مهدی دانسته‌اند.^۱

دو. آیه رفع فتنه از جهان

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ مَا يَحْمِلُونَ
بَصِيرٌ. (انفال / ۳۹)

و با آن (کافر)ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسر از آن خدا باشد؛ و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسش شد، فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يَجِيءَ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعْدَهُ سِيرِي مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ
تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لِيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ، حَتَّى لَا يَكُونَ شَرِكٌ عَلَى ظَهْرِ
الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ. (عیاشی، بی تا: ۲ / ۵۶، ح ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ۳ / ۵۴۳)

در حقیقت تأویل این آیه هنوز نیامده است و اگر قائم ما قیام کند، بعد از آن است که هر کس او را درک کند، تأویل این آیه را می‌بیند و دین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نهایت می‌رسد تا اینکه شرک بر روی زمین نخواهد بود؛ همان‌گونه که خدا فرموده است.

واژه «تأویل» در این روایت نیز به معنای تحقق عینی خارجی است (نه تأویل اصطلاحی

۱. قال السدی: و ذلك عند خروج المهدي. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۶؛ رازی، ۱۴۱۱: ۱۶ / ۴۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۸ / ۱۲۱؛ ثعلبی، نسخه خطی: ۵ / ۳۰۵) و مشابه این روایت از ابی سعید الخدری از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است. (میبدی، ۱۳۷۶: ۴ / ۱۱۹)

به معنی باطن یا خلاف ظاهر آیه) و روشن است که از صدر اسلام تاکنون فتنه‌ها کم‌وبیش وجود داشته و دین اسلام بر جهان مسلط نشده است و این مطلب که تفسیر آیه است، در زمان امام عصر^{علیه السلام} تحقق می‌یابد.

آلوسی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز ذیل آیه اشاره می‌کند که تأویل آیه هنوز محقق نشده است و تأویل آن هنگام ظهور مهدی خواهد آمد که بر روی زمین هیچ مشرکی نخواهد ماند. (آلوسی، ۱۴۰۵: ۹ / ۱۷۴)

سه. وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (انبیاء / ۱۰۵)
و به یقین، در زبور بعد از آگاه‌کننده (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.

از امام باقر^{علیه السلام} حکایت شده است:

الكتب كلها ذكر، و أن الأرض يرثها عبادي الصالحون. قال: القائم^{علیه السلام} و اصحابه.
(طبرسی، ۱۳۹۵: ۴ / ۶۶؛ کاشانی، ۱۳۴۶: ۶ / ۱۲۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۱۵۹؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۶)

همه کتاب‌های آسمانی مصداق ذکرند و مقصود از این آیه، امام عصر^{علیه السلام} و یاران حضرت است.

آلوسی بعد از ذکر اقوال در مورد آیه، به این نتیجه می‌رسد که وراثت زمین و لوازم آن برای صالحان، در مورد مؤمنان و در عصر حضرت مهدی و نزول حضرت عیسی است. (آلوسی، ۱۴۰۵: ۱۷ / ۹۵) البته این وعده الهی در زبور داود در کتاب مقدس فعلی نیز آمده است:

زیرا که شریبان منقطع می‌شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.
(کتاب مقدس، عهد عتیق، زبور داود، مزمور ۳۷، جمله ۹ و ۱۰)
صالحان وارث زمین خواهند بود ... (همان: جمله ۲۹)

در قرآن کریم آمده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَيْمَعْنَنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. (نور / ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد و مسلماً، دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد؛ و البته بعد از ترسشان، [وضعیت] آنان را به آرامش مبدل می‌کند؛ در حالی که مرا می‌پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت.

از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که در مورد آیه فرمود: «نزلت في القائم و اصحابه».

(مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۷؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۵۱ / ۵۸)

این آیه در مورد امام عصر علیه السلام و یاران او آمده است؛ البته مقصود از نزول در این‌گونه احادیث، همان تفسیر است؛ نه شأن نزول اصطلاحی آیه.

از اهل سنت، ابن کثیر در ذیل آیه با ذکر روایتی که تعداد سرپرستان امت را دوازده نفر معرفی می‌کند، مهدی موعود را یکی از این خلفای عادل معرفی می‌کند که جهان را از عدل پر خواهد کرد. (ابن کثیر، ۲۰۰۰: ۲ / ۶۱۵)

روشن است که این وعده الهی که در کتاب‌های آسمانی پیشین و قرآن آمده است و نیز وعده الهی در مورد جانشینی مؤمنان نیکوکار بر همه زمین و حصول امنیت کامل، هنوز تحقق نیافته است و بر اساس روایات تنها در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد.

چهار. قیام امام مهدی علیه السلام از نشانه‌های رستاخیز

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ ذِكْرُهُمْ. (محمد / ۱۸)

و آیا منتظاری جز (آمدن) ساعت (رستاخیز) دارند که ناگهان به سراغشان

می‌آید؟ پس به یقین، نشانه‌های آن آمده است؛ هنگامی که (قیامت) به سراغ آنان می‌آید، پس کجا یادآوری‌شان برای آنان (سود) دارد؟

از پیامبر ﷺ حکایت شده است:

اگر از دنیا یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد تا زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده بود. (حویزی، ۱۳۸۳: ۳ / ۴۶۶)

مشابه این حدیث از امام علی علیه السلام حکایت شده است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۲۲۳)

این آیه در مورد نشانه‌های رستاخیز است. مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر «اشراط الساعة» نشانه‌های متعددی را ذکر کرده‌اند، از جمله «بعثت پیامبر اسلام ﷺ، شق القمر، دخان و ...» (ر.ک به: سیوطی، ۱۴۰۳: ۷ / ۴۸۹ - ۴۶۷؛ ابن جوزی، ۱۳۸۰: ۷ / ۱۹۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۶ / ۱۰۹ و ۱۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۱ / ۴۴۹)؛ ولی برخی مفسران شیعه و اهل سنت ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یکی از نشانه‌های رستاخیز شمرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۶ / ۱۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۱ / ۴۴۹) و روایات مهدویت را ذیل آیه فوق آورده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۷ / ۴۸۲، حدود بیست روایت)

از جمله روایاتی که اهل سنت ذکر کرده‌اند، احادیثی است که مضمون آن شبیه روایت فوق از پیامبر ﷺ است:

عن ابن مسعود، قال: قال رسول الله ﷺ: لا تذهب الدنيا أو لا تنقضي الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيت يواطئ اسمه اسمي. (ابن حنبل، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۷۶؛ ترمذی، ۱۴۲۱: ۴ / ح ۲۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴ / ۴۴۲)

این‌گونه احادیث نشانه‌های رستاخیز را توضیح می‌دهند و نوعی تفسیر آیه به‌شمار می‌آیند.

۲. تطبیق آیات بر مهدویت

در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده‌اند، آیه‌ها بر مصداق یا مصداق اکمل در مسائل مهدویت تطبیق شده‌اند که در اینجا به برخی موارد اشاره می‌شود:

یک. روز قیام امام عصر علیه السلام از مصادیق غیب و ایام الله

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ. (بقره / ۳)

(همان) کسانی که به غیب ایمان می آورند.

ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ. (ابراهیم / ۵)

روزهای خدا را به آنان یادآوری نما.

عن امیرالمؤمنین علیه السلام: الغیب يوم الرجعة و يوم القيامة و يوم القائم و هي ایام آل محمد علیه السلام و اليها اشارة بقوله: «ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ». (صدوق، ۱۳۹۵: ۲ / ۳۴۰؛ حافظ برسی، ۱۲۵۵: ۲۵۳)

از امام علی علیه السلام نقل شده است: غیب همان روز رجعت و قیامت و روز امام عصر علیه السلام است و آنها روزهای آل محمد است که در آیه «یادآوری روزهای خدا» به آنها اشاره شده است.

واژه «غیب» به معنای چیزی است که از حس پوشیده و پنهان است؛ ولی در این روایت به مصادیق آن اشاره شده است که روز رجعت، قیامت و ظهور امام عصر علیه السلام است؛ البته غیب در تفاسیر قرآن بر مصادیق دیگر مثل «خدا»، «وحی» و «بهشت و جهنم» نیز تطبیق شده است. (طبرسی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱۲۱؛ حویزی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۷ / ۷۲؛ طبری، ۱۳۹۳: ۱ / ۱۶۳)

فخر رازی به شیعه اشکال می کند که آنان می گویند مقصود آیه امام مهدی علیه السلام است؛ ولی تخصیص مطلق دلیل، باطل است (رازی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۸) ولی فخر توجه نکرده است که این روایات از باب تعیین مصداق است، نه تخصیص.

دو. جاری بودن پرستش خدای ابراهیم علیه السلام در مورد امام عصر علیه السلام

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. (بقره / ۱۳۳)

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، (شما) شاهد بودید؟! وقتی که به پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می پرستید؟» گفتند: معبود تو و معبود

نیاکانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، معبود یگانه را می‌پرستیم، و ما تنها تسلیم او هستیم.

در حدیثی نقل شده است که از امام باقر علیه السلام از تفسیر آیه پرسیدند، حضرت فرمود: «جرت فی القائم؛ این آیه در مورد قائم جاری است». (عیاشی، بی تا: ۱ / ۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۱ / ۱۹۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱ / ۳۰۹)

این حدیث به صورت روشن به قاعده جری و تطبیق اشاره دارد؛ یعنی همان گونه که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام موحد بودند و خدای ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیدند و به فرزندان خود سفارش می‌کردند و از آنان پرسش می‌کردند (و تعهد می‌گرفتند)، امام عصر علیه السلام نیز همین گونه رفتار می‌کند، یا اینکه یکی از مصادیق تسلیم‌شدگان در برابر خدای متعال (مسلمون) امام عصر علیه السلام است.

سه. امام عصر علیه السلام، بقیه الله

بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ. (هود / ۸۶)

ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید؛ و من بر شما نگهبان نیستم.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که امام عصر علیه السلام هنگام ظهور به کعبه تکیه می‌دهد و سیصد و سیزده یار او گرد می‌آیند و اولین جمله‌ای که می‌فرماید، این است:

بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، ثم يقول: انا بقية الله في أرضه و خليفته و حجته عليكم فلا يُسَلِّمُ عليه مسلم الا قال: السلام عليكم يا بقية الله في أرضه (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۳۰؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۳ / ۳۲۴)

«ذخیره الهی برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید»، من ذخیره الهی در زمین و جانشین الهی و حجّت او بر شما هستم، پس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند؛ مگر اینکه می‌گوید: سلام بر تو ای ذخیره الهی در زمین.

روشن است که اصل این آیه کلام حضرت شعیب علیه السلام است (هود / ۸۷ - ۸۴) ولی

حضرت شعیب رضی الله عنه یک قاعده کلی را بیان می کند که «ذخیره الهی (مثل پیامبران الهی) برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید»؛ ولی طبق این حدیث، امام باقر رضی الله عنه مفهوم کلی آیه را بر مصداق خاص یا مصداق کامل آن (امام عصر رضی الله عنه) تطبیق کرد.

چهار. مضطر بودن امام عصر رضی الله عنه

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ. (نمل / ۶۲)

بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که درمانده را، به هنگامی که او را می خواند، اجابت می کند و (گرفتاری) بد را برطرف می سازد و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می دهد؟! آیا معبودی با خداست؟! چه اندک متذکر می شوید.

عن الصادق رضی الله عنه: نزلت في القائم من آل محمد رضی الله عنه، هو والله المضطر إذا صلى في المقام ركعتين ودعا الله فاجابه و يكشف السوء و يجعله خليفة في الأرض. (فيض کاشانی، ۱۴۰۲: ۴ / ۷۱؛ بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۵۱ / ۴۸)

در احادیث متعددی از امام باقر (مجلسی، ۱۳۸۵: ۵۱ / ۵۹) و امام صادق رضی الله عنه حکایت شده است که این آیه در مورد قائم آل محمد رضی الله عنه است: هنگامی که ظهور می کند و نزد مقام (نزدیک کعبه) دو رکعت نماز می گذارد و دعا و تضرع می کند و خدا دعای او می پذیرد و مشکل برطرف می گردد و ایشان (ظهور می کند و) خلیفه الهی در زمین می شود (فیض، ۱۴۰۲: ۴ / ۷۱؛ بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۵۱ / ۴۸)

واژه نزول در این احادیث به معنای تعیین مصداق است؛ نه شأن نزول اصطلاحی؛ یعنی مفهوم مضطر شامل هر شخصی می شود که در اثر مشکل ها دچار اضطراب شود و امام عصر رضی الله عنه یکی از مصداق کامل مضطر در زمان غیبت است.

آیات و روایات متعدد دیگری نیز در این باره وجود دارد از جمله:

۱. ذیل آیه «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا؛ (حج / ۳۹) به کسانی که جنگ بر آنان

تحمیل شده است، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر اینکه آنان مورد ستم واقع شده‌اند» که به مظلومان اجازه جنگ می‌دهد، این آیه در حدیثی از امام باقر علیه السلام بر امام عصر علیه السلام و یاران او تطبیق شده است. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۴ / ۲۲۷)

۲. امام باقر علیه السلام ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران، تعبیر «رابطوا» را بر ارتباط با امام منتظر تطبیق کرد. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۷؛ بحرانی، ۱۳۳۴: ۱ / ۳۳۴)

۳. ذیل آیه «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛ (مائده / ۵۴) و خدا در آینده گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند» امام علی علیه السلام آیه را بر مهدی علیه السلام تطبیق کرد. (قندوزی، ۱۳۰۸: ۳ / ۳۳۷)

۴. ذیل آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ؛ (طه / ۱۳۵) پس انتظار بکشید که بزودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است» امام کاظم علیه السلام «صراط سوی» را بر امام عصر علیه السلام تطبیق کرد. (بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۵۰؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۴ / ۱۵۰)

۵. ذیل آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ (قصص / ۵۰) و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم، و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم» در احادیث متعددی از امام باقر و امام صادق علیه السلام حکایت شده است که ائمه معصومین علیهم السلام «مستضعفون» اند و آیه، مربوط به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر و بر جباران پیروز می‌شود و جهان را از عدل و داد پر می‌کند. (بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۲۲۰؛ طوسی، بی تا: ۱۸۴)

روشن است که این گونه احادیث مصداق این آیه را بر می‌شمارد و از باب جری و تطبیق است و گرنه اصل آیه در مورد پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان است؛ اما واژه «نرید» که به صورت مضارع آمده است و اراده مستمر الهی را بیان می‌کند، بیان نوعی سنت الهی است که در طول تاریخ جاری بوده است و در هر عصری مصداق جدیدی دارد و قیام امام عصر علیه السلام از مصادیق کامل آیه است.

۳. تأویل و بطن آیات در مورد مهدویت

برخی روایات تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است، به تأویل آیات اشاره می‌کند؛ البته تأویل به معنای اعم که شامل بطن و معنای خلاف ظاهر آیه نیز می‌شود. در اینجا به چند مورد مهم اشاره می‌شود.

یک. تأویل حروف مقطعه در مورد مهدویت

حم * عسق. (شوری / ۱ و ۲)

روایات متعددی در منابع شیعه و سنی در مورد دو آیه فوق نقل شده و تأویل این آیات را مربوط به حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۶۰ / ۱۱۹ و ۹۲ / ۳۷۶؛ ثعلبی، بی تا: ۸ / ۳۰۳)

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که آیه اشاره به سال‌های امام عصر علیه السلام یا حوادث زمان حضرت و هنگام خروج ایشان در مکه است. (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۶۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۴۲؛ بحرانی: ۱۳۳۴: ۴ / ۱۱۵)

در مورد تفسیر حروف مقطعه، دیدگاه‌های مختلفی بین مفسران قرآن وجود دارد و روایات متعددی نیز نقل شده است، از جمله اینکه این حروف رمزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است، یا اینکه مربوط به تحدی قرآن است که قرآن به وسیله همین حروف الفبای معمولی ساخته شده؛ ولی معجزه است و ... (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ذیل آیه اول سوره بقره)

دو. باطن حق و باطل

در برخی احادیث تفسیری آیات مهدویت، به صورت صریح از باطن آیات سخن گفته شده است، از جمله در مورد آیات زیر که ظاهر آن در مورد جنگ بدر است که به مسلمانان وعده داده شد که یا بر لشکر مشرکان مکه پیروز می‌شوند یا بر کاروان تجارتی آنها غلبه می‌کنند.

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ

وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ. (انفال / ۷ و ۸)

و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر آنان] را وعده داد که آن برای شما باشد؛ و آرزو می‌کردید که [گروه] غیرمسلم برای شما باشد؛ و [الی] خدا می‌خواهد حق را با کلماتش (وعده‌هایش) تثبیت کند و دنباله کافران را قطع سازد، تا حق را تثبیت کند و باطل را نابود گرداند؛ و گرچه خلاف کاران ناخشنود باشند.

در احادیث از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر این آیه پرسش شد، فرمود:

تفسیرها فی الباطن یرید الله فإنه شیئی یریده ولم یفعله بعد، و أما قوله: «یحق الحق بکلماته» فإنه یعنی یحق حق آل محمد و أما قوله: «بکلماته» قال: کلماته فی الباطن علی علیه السلام هو کلمة الله فی الباطن و أما قوله: «و یقطع دابر الکافرین» فهم بنوأمیه هم الکافرون یقطع الله دابره و أما قوله: «لیحق الحق» فإنه یعنی لیحق حق آل محمد حین یقول القائم و أما قوله: «ویبطل الباطل» یعنی القائم، فإذا قام یبطل باطل بنی‌امیه وذلک قوله: «لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون». (عیاشی، بی تا: ۲ / ۵۰؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۴ / ۱۷۸)

تفسیر این آیه را خدا در باطن اراده کرده است که آن چیزی است که اراده شده، ولی هنوز انجام نداده است. پس مقصود از «تحقق حق با کلمات الهی»، یعنی حق آل محمد. و اما مقصود از «کلمات» کلمات الهی در باطن است. علی کلمة الله در باطن است و اما مقصود از «قطع دنباله کافران»، بنی‌امیه است که کافرند و خدا دنباله آنان را قطع می‌کند. و اما مقصود از «تحقق حق»؛ یعنی حق آل محمد هنگام قیام قائم علیه السلام تحقق می‌یابد، اما مقصود از «ابطال باطل»؛ یعنی هنگامی که قائم قیام می‌کند، باطل بنی‌امیه را باطل می‌سازد و این مقصود خدا در آیه «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» است.

سه. باطن آیات پیروزی روم و ایران

الم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَعْضِ سِنِينَ

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری □ ۱۲۵

لِّلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بَنَصْرٍ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ. (روم / ۵ - ۱)

الف، لام، میم. (سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ و[الی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به‌زودی پیروز خواهند شد، کار[ها] قبل از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند. (خدا) هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] مهورز است.

در برخی احادیث حکایت شده است که امام صادق علیه السلام در مورد ذیل آیه «و یومئذ یفرح المؤمنون»، فرمود: «عند قیام قائم». (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱ / ۴۳۴؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۳۱ / ۵۱۶). ایشان در جای دیگری فرمودند: «فی قبورهم بقیام القائم». (طبری، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۲۵۸)

چهار. رجعت باطن آیه

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (قصص / ۸۵)

قطعاً، کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به سوی بازگشتگاه (مکه) بازمی‌گرداند. بگو: پروردگار من داناتر است به کسی که هدایت آورده و به کسی که وی در گمراهی آشکار است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که فرمود:

خدا رحمت کند جابر را که علم او به جایی رسیده بود که تأویل این آیه را می‌دانست که رجعت است. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۲ / ۹۹؛ بحرانی، ۱۳۳۴: ۳ / ۲۳۹)

در این‌گونه روایات، مقصود از باطن، می‌تواند همان معنایی باشد که علامه محمدهادی معرفت در معنای بطن فرمود که با انجام چهار مرحله (به‌دست آوردن هدف آیه، النای خصوصیت از آیه، استنباط قاعده کلی از آیه و تطبیق آیه بر مصادیق جدید در هر عصر) صورت می‌گیرد. (معرفت، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۹)

مثلاً در روایت دوم از شأن نزول آیه که مسئله جنگ بدر است، الغای خصوصیت شده و یک قاعده کلی به دست آمده مبنی بر اینکه، اراده الهی بر تحقق حق با کلمات الهی و قطع دنباله کافران است. آنگاه این مطلب بر مصداق کامل آن در زمان امام عصر علیه السلام تطبیق شده است. تعبیر «یرید» که مضارع است و دلالت بر استمرار اراده خدا به صورت سنت الهی دارد، می‌تواند قرینه این تفسیر باطنی آیه باشد.

در روایت سوم هم که در مورد جنگ ایران و روم است، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی برای خوشحالی مؤمنان بعد از پیروزی، بر خوشحالی مؤمنان هنگام قیام امام عصر علیه السلام و پیروزی یاران او تطبیق شده است.

در مورد روایت چهارم نیز که بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه، بازگشت دوباره ایشان را به مکه وعده می‌دهد، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی، بر بازگشت مؤمنان در رجعت تطبیق شده است.

۴. آیات مرتبط با مهدویت

مقصود آیاتی است که در احادیث با مسائل و موضوعات مهدویت به گونه‌ای مرتبط شده است؛ اما از نوع تفسیر، تطبیق و تأویل نیست. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یک. تشبیه جریان مهدوی

برخی از احادیثی که ذیل آیات مرتبط با مهدویت مطرح کرده‌اند، نوعی تشبیه و مثال را بیان می‌کند. برای نمونه در خصوص آیه ۲۴۹ از سوره بقره از امام صادق علیه السلام حکایت شده است:

إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ إِبْتَلَوْا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ» وَإِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ يَبْتَلُونَ بِمِثْلِ ذَلِكَ. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۰؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۵۲ / ۳۳۲)

یاران طالوت با (آب خوردن از) نهر آب امتحان شدند؛ همان‌گونه که خدا فرمود «شما را نهری آزمایش می‌کنیم» و یاران قائم نیز به مانند آن آزمایش می‌شوند.

و در مورد آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ؛ (اعراف / ۸۷) درباره ساعت [قیامت] از تو

آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری □ ۱۲۷

می‌پرسند»، در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ حکایت شده است که مثال او (مهدی) مثل ساعت (رستاخیز) است که ناگهان می‌رسد. (خزار قمی، ۱۴۰۱: ۲۴۸)

دو. قرآن قرائت قرآن

در برخی احادیث ذیل آیات مهدویت، آثار قرائت قرآن بیان شده است؛ مثلاً از امام صادق ﷺ حکایت شده است که هر کس سوره بنی‌اسرائیل (اسراء) را در هر شب جمعه قرائت کند، نمی‌میرد تا اینکه قائم را درک کند و از اصحاب حضرت خواهد بود. (عیاشی، بی‌تا: ۲ / ۲۷۶) در برخی دیگر از احادیث، آیاتی که امام عصر ﷺ قرائت می‌کنند، بیان شده است، از جمله ذیل آیه «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ» (شعراء / ۲۱) و هنگامی که از شما ترسیدم، از بین شما فرار کردم»، از امام صادق ﷺ حکایت شده است که هنگامی که قائم ﷺ قیام می‌کند، این آیه را تلاوت می‌کند. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۷۹)

این‌گونه احادیث هر چند با موضوع کلی مهدویت و امام عصر ﷺ مرتبطاند؛ اما تفسیر، تطبیق یا تأویل آیات به شمار نمی‌آیند؛ ولی در کتاب‌هایی که آیات تفسیری مهدویت را ذکر کرده‌اند، آمده‌اند. (الهیئة العلمية...، ۱۴۲۸: ۷ / ۶۸، ۳۱۵ و ۴۳۲)

نتیجه

آیات زیادی در قرآن کریم هست که بر اساس روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، به ابعاد مختلف مهدویت اشاره دارند. این احادیث گاهی به تفسیر یا تأویل یا بطن یا مصادیق آیات اشاره دارند و از نظر موضوع نیز به موضوع‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و تاریخی متعدد اشاره دارند.

منابع و مأخذ

۱. آلوسی، ابوالفضل شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۰۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۴.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، المناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۳۸۰، تفسیر زادالمسیر فی علم تفسیر، بیروت، دارالکتب العربی.
۴. ابن حجام، محمد بن عباس، ۱۴۲۰ ق، تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی و آله صلی الله علیهم، قم، دفتر نشر الهادی.
۵. ابن حنبل، احمد، ۱۴۱۵، مسند احمد، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۲۰۰۰ م، تفسیر ابن کثیر، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۷. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ق، کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، تبریز، مکتبة بنی هاشمی.
۸. بابایی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۸۵، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، سمت.
۹. البحرانی، سید هاشم الحسینی، ۱۳۳۴، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتب العلمیة.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۲۱ ق، الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابوسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم، بی تا، الکشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)، [نسخه خطی]، قرن پنجم.
۱۲. _____، ۱۴۲۲ ق، الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. حافظ برسی، رجب بن محمد، ۱۲۵۵ ق، مشارق الانوار الیقین، [نسخه خطی].
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۵. حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین علی، ۱۴۰۹ ق، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الظاهرة، قم، مؤسسة نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم.
۱۶. حویزی عروسی، عبدعلی بن جمعه، ۱۳۸۳ ق، نورالثقلین، قم، المطبعة العلمیة، الطبعة الثانية.
۱۷. خزار قمی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ ق، کفایة الأثر، قم، بیدار.
۱۸. ذهبی، محمدحسین، بی تا، التفسیر و المفسرون، بیروت، دارالارقم.

۱۹. رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۳۳۲، مفردات الفاظ القرآن، تهران، المكتبة الرضویة.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۳، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، تهران، اسوه، چ ۲.
۲۲. _____، ۱۳۸۵، منطق تفسیر قرآن (۲): روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، قم، نشر جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمیة.
۲۳. _____، ۱۳۸۷، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۴. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۷ ق، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۵. شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۲، مبانی و روش‌های تفسیری، قم، جامعة المصطفیٰ العالمیة.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۸ ق، الفرقان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، الطبعة الثالثة.
۲۷. صادقی، مصطفیٰ، ۱۴۰۳ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر.
۲۸. _____، ۱۳۸۲، «الفتن ابن حماد، قدیمی‌ترین کتاب در مهدویت»، آینه پژوهش، ش ۸۴.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۳۷۷ / ۱۴۱۹ ق، منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر ﷺ، قم، مؤسسة السيدة المعصومة ﷺ.
۳۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، ۱۳۹۵ ق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، قم، دارالکتب الاسلامیة، چ ۲.
۳۱. _____، ۱۴۱۶ ق، الخصال، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة.
۳۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳ ق، المیزان، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳۳. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی الفضل بن الحسن، ۱۳۹۵ ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المكتبة الاسلامیة، الطبعة الخامسة.
۳۴. طبری آملی مازندرانی، ۱۳۹۳ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
۳۵. _____، ۱۳۸۳ (افست حیدریه نجف)، دلائل الامامة، قم، دارالذخائر للمطبوعات.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، الغیبه، بی جا، بی نا.

۳۷. عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاشی السلمی، بی تا، *کتاب التفسیر*، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية.
۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۲ ق، *تفسیر صافی*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
۳۹. _____، ۱۳۶۵، *وافی*، اصفهان، مکتب الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامة.
۴۰. قرطبی، ۱۴۰۵ ق، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثانية.
۴۱. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر علی بن ابراهیم القمی*، قم، مؤسسة دارالکتاب، چ ۳.
۴۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم حسینی بلخی، ۱۳۰۸ ق، *ینایع المودة*، [چاپ سنگی]، طهران، بی نا.
۴۳. کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۴۶، *تفسیر منهج الصادقین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۴۴. *کتاب مقدس*، (شامل تورات و انجیل و کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان)، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.
۴۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی.
۴۶. مجلسی، علامه محمد تقی، ۱۳۸۵، *بحار الانوار*، تهران، المكتبة الاسلامية.
۴۷. معرفت، محمد هادی، ۱۳۷۹، *التفسیر و المفسرون*، قم، مؤسسة التمهید.
۴۸. _____، ۱۳۸۳، *التفسیر الاثری الجامع*، قم، مؤسسة التمهید.
۴۹. _____، ۱۴۱۷ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، *الغیبة (اربع رسالات فی الغیبة)*، قم، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چ ۲.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۶۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامية.
۵۲. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۶، *کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، تهران، امیر کبیر.
۵۳. هیئة العلمية فی مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۸ ق، *معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية مسجد جمکران.